خبر

مرثیه «احمد میرزا» برگذشته فراموش‌شده

● **گروه هنر:** گالری شکوه از یکم تا ششم آذر ۹۸ میزبان جدیدترین آثار احمد میرزا (میرزازاده)، هنرمند صاحب‌سبک عرصه نقاشیخط می‌شود. احمد میرزا در این نمایشگاه که با نشست نقد و بررسی آثارش همراه خواهد بود، ضمن نمایش جدیدترین کارهایش، برای اولین‌بار از ایده «خطفرش» رونمایی خواهد کرد. این هنرمند درباره فضای آثار این نمایشگاه و تفاوت آن با خط‌نقاشی‌های قبلی خود گفت: «سعی کردم از قالب فضای آثار مدرن که در این سال‌ها دنبال می‌کردم، به سمتی بروم که معاصر باشد. از مدیوم رنگ‌روغن و اکریلیک و ترکیب مواد قدری فاصله گرفتم و از ابزار و مصالح دیگری هم استفاده کردم تا مخاطب با تجربه بصری تازه‌ای روبه‌رو شود». احمد میرزا درباره تکنیک کارها اضافه کرد: «برخی آثار همان رنگ‌روغن و اکریلیک و ترکیب مواد است؛ ولی بخشی از کارها که محوریت نمایشگاه را دارد، آینه و فرش است که شکل حروف و خوشنویسی را به خودش گرفته و بیانگر مفاهیمی است که شاید قبل از این مطرح نشده باشد. شاید این کارها نسبت به بقیه آثار که در گالری‌ها و بازار هنر می‌بینیم، متفاوت باشد». او درباره رویکرد این نمایشگاه گفت: «در نمایشگاه‌های قبلی، برخورد من مدرن و تا حدی دکوراتیو بود؛ زیرا مخاطب شرقی به زیبایی‌شناسی ایرانی عادت کرده بود و اغلب خط‌نقاشی‌ها بدون عنوان بودند؛ اما کارهای نمایشگاه جدید همگی عنوان و مفهوم دارند و بعضی اصلا دکوراتیو نیستند بلکه تلاش دارند مفهومی انتقادی را از گذشته‌ها و از تخریب سنت‌ها و هویت‌هایی که داشتیم، به مخاطب برسانند. عنوان نمایشگاه خطفرش است». این هنرمند در توضیح بیشتر عنوان نمایشگاهش گفت: «خطفرش اصطلاحی است که برای اولین‌بار در این نمایشگاه به کار می‌رود. بعد از گفت‌وگویی طولانی که با آقای حسینی، مدیر هنری‌ام داشتم، این اصطلاح به ذهنمان خطور کرد. در تکنیک خطفرش، تکه‌های فرش‌های قدیمی و دست‌بافت که سال‌های سال زیر پای ما ایرانی‌ها بوده، تبدیل می‌شوند به حروف خوشنویسی؛ انگار می‌خواهند از دل تاریخ و از گذشته‌ها حرفی بزنند. برای این مجموعه تعدادی فرش مندرس و صدمه‌دیده که قابلیت ترمیم و مرمت نداشتند، خریدم. زمانی که می‌خواستم این فرش‌ها را بریده و قطعه‌قطعه کنم تا از دل آن این حروف را درآورم، این کار خیلی سخت بود؛ چون خودم تعلق خاطری به این دست‌بافت‌های زیبا و رؤیایی دارم. این فرش‌ها باید تکه‌پاره شده و تبدیل به حروف شود تا روی بوم حرف تازه‌ای بزنند». به گفته این هنرمند، نیمی از کارهای این نمایشگاه خطفرش و نیمی دیگر حاصل تکنیک‌های قبلی او اما در فرم و فضایی متفاوت هستند. پوستر نمایشگاه احمد میرزا را ابراهیم حسینی طراحی کرده که خود از عکاسان مطرح سال‌های اخیر است. حسینی درباره طراحی این پوستر گفت: «این پوستر با توجه به حال‌وهوای آثار او طراحی شده و با تم تایپوگرافی است. هیچ‌گونه تصویری در طرح به کار نرفته و نام و عنوان نمایشگاه جدا از وظیفه اطلاع‌رسانی تبدیل به عکس شده است». احمد میرزا که پیش از این نمایشگاه‌های انفرادی در گالری فرهنگسرای بانو (۱۳۸۳)، گالری ماه (۱۳۹۱) و همچنین گالری اولا اسپانیا (۱۳۸۴)، موزه هنرهای مدرن مالاگا (۱۳۸۸) و گالری امیگو اسپانیا (۱۳۹۲) برپا کرده، پیش‌بینی می‌کند در نمایشگاه جدیدش با توجه به مقدمات کار، حدود ۱۵ اثر را که همگی مربوط به دو سال گذشته هستند، روی دیوار ببرد. ابعاد این آثار هم در قطع‌های متفاوتی است.

یادمانه دلربای جهانی عاشقانه

معصومه کیانی: آشکارشدن درون‌مایه فیلم‌نامه «سرخپوست» از همان ابتدای فیلم، تکلیف مخاطب را روشن می‌کند؛ تماشای لایه‌های پنهان قصه و توجه به چگونگی روایت آن. «سرخپوست» در ساختاری ساده و بی‌پیرایه روایتگر زندانی قدیمی است که باید هرچه سریع‌تر زندانی‌هایش جابه‌جا شوند و زندان تخلیه و تخریب شود، اما یکی از زندانی‌ها برای رهایی از سرنوشت محتومش، همراه با بقیه به زندان جدید نرفته و پنهان شده است. پنهان‌ماندن او از چشم زندان‌بان‌ها و تلاشش برای رهایی، کشاکش عشق میان رئیس و مددکار زندان را شکل می‌دهد. عشقی که بینابین عقل و دل است؛ آنجا که ترانه عاشقانه رئیس زندان برای مددکار در کل محیط زندان خالی و کهنه پخش می‌شود و آنجا که او با روشدن دست مددکار در کمک‌رسانی‌اش به زندانی فراری، وادار می‌شود وسایل کیفش را خالی و زندان را ترک کند... . روایت موازی این کشاکش عاشقانه و جست‌وجوی زندان‌بان‌ها و رئیس زندان برای پیداکردن زندانی فراری و نیز تلاش مددکار برای اثبات بی‌گناهی‌اش، درنهایت به کمال این عشق و رهایی او می‌انجامد. فیلم از ابتدا نشانه‌هایی از انسان‌دوستی دربر دارد؛ آنچه متعلق به هر تاریخ و جغرافیایی است. پیرمرد نجار حاضر نیست چوبه دار را بسازد، مددکار درپی احقاق حق زندانی فراری است و سرانجام رئیس زندان که رهایی او را موجب می‌شود. وجدان بیدار مددکار و تلاشش برای رهایی زندانی بی‌گناه، وجدان بیدار شاهدی که به دروغ شهادت داده و نیز وجدان بیدار رئیس زندان موجب می‌شود «سرخپوست» را فیلمی سراسر عشق و صلح ببینیم؛ عشقی آرمانی، انسان‌دوستی و صلحی آرمانی. فیلم با ازجاکندن چوبه طناب‌دار آغاز و با حمل آن چوبه پشت ماشین به پایان می‌رسد؛ درحالی‌که زندانی به وسیله همان چوبه که می‌تواند موجب مرگش شود، به رهایی می‌رسد. انگار همه‌چیز به سوی پاک‌شدن زندان و رهاشدن پیش می‌رود؛ زندانی از مرگی محتوم و ناحق و رئیس زندان از مسیری که با پاگذاشتن روی وجدانش هموار می‌شود. هنگامی که طناب دار از جا کنده می‌شود، باران می‌بارد و هنگامی که زندان‌بان‌ها در جست‌وجوی زندانی فراری‌اند، بر بلندای زندان پرواز هواپیمایی را می‌بینیم...، خود زندان هم قرار است تخریب و به جای آن فرودگاه ساخته شود؛ نمادی از پرواز و رهایی. محیط بسته زندان بر کل فضای فیلم غلبه دارد؛ فضایی کهنه و تاریک که البته تصویربرداری و نورپردازی‌هایی دقیق، محصوربودن در چنین فضایی را به‌خوبی ایجاد می‌کند. بیشترین زمان فیلم در این فضا می‌گذرد اما سرانجام روشنی و نور است که بر تیرگی و کهنگی غلبه پیدا می‌کند. تضاد میان تاریکی فضای زندان و روشنی فضای بیرون بیانگر فضاهایی اساطیری است. اگرچه نباید نادیده گرفت که کل فضای روایی فیلم آمیخته با نمادهای اساطیری است؛ نمادهایی که بیشترشان بیانگر روشنی و رهایی‌اند؛ از قورباغه‌ای که قرار است نشانه‌ای باشد برای پیداکردن زندانی فراری تا نشانه «رع» که گردن‌آویز مددکار است و نیز بارانی که بر زندان قدیمی و سرنوشت محتومش که تخریب است، می‌بارد. قورباغه نمادی است که در بیشتر اقوام با باروری او و تولد دوباره همراه است و خصوصیت واضحی دارد که مهم‌ترینش جهش به سمت جلو است، اما در «سرخپوست» بیشتر بیانگر رهایی زندانی فراری است تا بازگشاینده تاریکی تودرتو و مخروبه زندان برای پیداکردن او. این کارکرد زمانی بیشتر آشکار می‌شود که رئیس زندان به پیداکردن زندانی فراری اصرار دارد و یکی از روستاییان به او می‌گوید که به دروغ شهادت داده است و همان زمان قورباغه بی‌رمق و دمر روی زمین می‌افتد. اما این علامت آخر نیست. از طرف دیگر، برخی اقوام بر این باورند که قورباغه‌ها رعد و برق و باران را آورده‌اند و چنین فضایی هم بر کل فیلم حاکم است. وقتی باران شدید می‌بارد، مددکاران از زندان بیرون می‌آیند و وقتی باران بند می‌آید، مددکار به زندان برمی‌گردد. از همان لحظه ورود او پیداست که با دیگران متفاوت است. از همه مهم‌تر، او گردن‌آویزی با نشان «رع» به گردن دارد. «رع» نماد الله خورشید و طلوع و غروب است. در باور برخی اقوام، او ایزد دگرگونی‌های زندگی است و همیشه از نو متولد می‌شود. در «سرخپوست» هم مددکار تمثیلی از روشنی و خورشید است؛ در سراسر فیلم هر جا که او هست، باران نیست و هر جا که او نیست، باران می‌بارد. او با زندانی فراری همراه است و تمام تلاشش رهایی اوست. شاید به دلیل همراهی چنین نشانه اساطیری با زندانی فراری است که سرنوشت محتومش دگرگون می‌شود و در لحظات آخر فیلم، رأی رئیس زندان برمی‌گردد و برای زندانی فراری، دختر و همسرش گویی زندگی دوباره‌ای آغاز می‌شود. اما جدال شخصیت‌های فیلم از عوامل زندان گرفته تا رئیس و مددکار برای یافتن شخصیتی است که تا پایان فیلم پنهان و تنها در حد سایه‌ای ناپیدا باقی می‌ماند. حتی پس از پیداشدن و رهایی‌اش هم در حد نفس‌های بریده‌بریده برای مخاطب آشکار می‌شود. شخصیت‌پردازی زندانی فراری توسط دیگر شخصیت‌ها به اندازه‌ای قدرتمند است که دیده‌نشدنش نه‌تنها چیزی از فیلم‌نامه کم نمی‌کند، بلکه به ساختار آن قوت بیشتری می‌بخشد؛ چراکه درواقع شخصیت اصلی است و همه شخصیت‌ها حول او شکل می‌گیرند. در بیان چنین مضمونی البته که تأثیرگذاری ریتم سریع فیلم را نمی‌توان نادیده گرفت و همین رویکرد موجب می‌شود با وجود اینکه فیلم‌نامه قصه ساده‌ای را روایت می‌کند، مخاطب ماجرا را لحظه‌به‌لحظه دنبال کند. «سرخپوست» بیان خلاقانه اثری کلاسیک است، با لوکیشن، نورپردازی، تصویربرداری و ریتمی جذاب که می‌توان به تماشای آن نشست و دوستش داشت. اگرچه تأثیرپذیری‌اش در صحنه‌پردازی و فیلم‌نامه را از فیلم سینمایی «مسیر سبز» (The Green Mile) به کارگردانی «فرانک دارابونت» نمی‌توان نادیده گرفت. پایان فیلم‌نامه با استیلای نمادهای اساطیری همراه است که در سراسر فیلم وجود داشت؛ رسیدن به آغاز و تولد؛ همه بیرون فضای زندان‌اند، زندان تخریب می‌شود، زندانی فراری در ابتدای مسیر رهایی قرار می‌گیرد و رئیس و مددکار زندان در آغازی عاشقانه. «سرخپوست» جهانی را به تصویر می‌کشد که به‌سوی روشنی در حرکت است و سرانجامش به انسان‌دوستی، شرافت و عشق منتهی می‌شود؛ آنچه همه ما خواستارش هستیم.

نقاشی‌های کیارستمی دیدنی‌اند

گروه هنر: مجموعه‌ای از نقاشی‌های عباس کیارستمی برای اولین‌بار در گالری گلستان به نمایش درمی‌آید. نشست خبری نمایشگاه نقاشی‌های زنده‌یاد عباس کیارستمی در گالری گلستان، صبح یکشنبه، دوازدهم آبان، در مؤسسه توسعه هنرهای معاصر برپا شد. در این نشست لیلی گلستان، مدیر گالری گلستان و محمودرضا بهمن‌پور، مدیر نشر نظر، به ارائه اطلاعاتی درباره نمایشگاه و کتابی که به همین مناسبت منتشر می‌شود، پرداختند. لیلی گلستان در ابتدای این نشست با بیان اینکه عباس کیارستمی از دوستان قدیمی او بوده است، گفت: «ایشان همیشه این افتخار را به من می‌دادند که نمایشگاه عکس‌هایشان را در گالری گلستان برگزار کنند و آثار را جای دیگری نبرند. نقاشی‌های ایشان را هم دیده بودم و بارها پیشنهاد دادم نمایشگاهی از آثار نقاشی خود برگزار کند؛ اما همیشه می‌گفت باید فرصت لازم را پیدا کند تا مدتی روی نقاشی وقت بگذارد و کارها را تکمیل کند». گلستان ادامه داد: «پس از رفتن کیارستمی همچنان ایده برگزاری نمایشگاه نقاشی‌های او در ذهنم بود و این موضوع را با فرزندانش احمد و بهمن کیارستمی در میان گذاشتم و تصمیم گرفتیم نقاشی‌ها را گردآوری کنیم. حدود ۱۲ نقاشی در خانه خودشان موجود بود و باقی را با جست‌وجو و پرسش از دیگران پیدا کردیم. الان ۳۳ کار در نمایشگاه هست که همگی با مدادرنگی و یک تابلو با آبرنگ نقاشی شده است». مدیر گالری گلستان افزود: «البته تا روز افتتاحیه نمایشگاه ممکن است تعداد آثار بیشتری به دست ما برسد؛ اما کتاب نمایشگاه چاپ شده و امکان اضافه‌کردن آثار به آن وجود ندارد و کارها فقط در گالری به نمایش درخواهد آمد. این تابلوها به صورت امانی دریافت شده و بحث فروش آنها وجود ندارد. سه اثر را نیز در خارج از کشور یافتیم و چون امکان ارسال آنها وجود نداشت، عکس باکیفیت آنها را دریافت و چاپ کردیم». او درباره اهمیت نام کیارستمی در نمایش این آثار گفت: «نقاشی‌های کیارستمی واقعا دیدنی است و اگر نام کیارستمی هم روی آنها نبود، باز هم امکان برگزاری نمایشگاه از این آثار وجود داشت؛ چون واقعا نقاشی‌های مدادرنگی خوبی هستند. او در دانشگاه نقاشی خوانده بود و بعد از انقلاب روی نقاشی متمرکز شد. البته چند جا اشاره کرده بود که با توجه به محدودیت‌هایی که در فیلم‌سازی پیدا کرده بود، برای امرار معاش نقاشی می‌کرد». گلستان با اشاره به کتابی که چندی پیش از کلکسیون آثار هنری خود منتشر کرده است، گفت: «این کتاب با استقبال خوبی مواجه شد و عده‌ای از مخاطبان می‌گفتند متن‌هایی که برای هر اثر نوشته‌ام، برای آنها جالب است. به نظر من خوب است که دیگر مجموعه‌داران نیز کتابی از آثاری که گردآوری کرده‌اند، منتشر کنند و به‌همین‌دلیل از مجموعه‌دارها خواهش کردم که کارهایشان را کتاب کنند، عده‌ای پذیرفتند و گفتند خودت بیا این کار را به سرانجام برسان؛ اما برخی هم گفتند نمی‌خواهیم دیگران بدانند ما چه آثاری را در اختیار داریم». در ادامه نشست محمودرضا بهمن‌پور درباره انتشار کتاب «داستان زندگی پرثمر و باافتخار مداد عباس» گفت: «ایده‌ای که خانم گلستان درباره نقاشی‌های مدادرنگی آقای کیارستمی دادند، بسیار خلاقانه بود؛ چون ایشان کمتر به‌عنوان نقاش شناخته می‌شود. مجموعه‌ای که با همت خانم گلستان جمع‌آوری شده، بیان‌کننده عشق کیارستمی به طبیعت است که در فیلم‌ها و عکس‌هایش هم دیده‌ایم». بهمن‌پور افزود: «کیارستمی از موضوعات مورد علاقه‌اش عکاسی می‌کرد و بعدها در سال‌های ۵۹ و ۶۰ از روی آن نقاشی می‌کشید. عشق به طبیعت یک سلوک دائمی عباس کیارستمی است و او از کودکی در گندم‌زارهای اطراف اختیاریه که آن زمان خارج از محدوده شهری تهران بود، حضور داشت و خودش گفته گاهی در آن خوابم می‌برد». او درباره انتخاب نام کتاب گفت: «نام کتاب را بهمن کیارستمی پیشنهاد داد و یادآور کتابی از کیارستمی است که دهه ۶۰ با موضوع مداد قرمز از سوی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان چاپ شده است. امیدوارم روزی به همت خانم گلستان کارهایی که زنده‌یاد کیارستمی با چوب انجام داده و شامل صندوق‌هایی بزرگ و زیبا است، هم به نمایش درآید». مدیر نشر نظر با اشاره به فرایند پیداکردن آثار نقاشی عباس کیارستمی گفت: «در مراحل جمع‌آوری کتاب، داستان‌های جالبی پیش آمد. برای مثال متوجه شدیم خانمی چون از قاب یک نقاشی خوشش آمده بود، اثری را خریده و بعد متوجه شده بود آن اثر متعلق به عباس کیارستمی بوده است. شخص دیگری نیز یک نقاشی به ما داد و ما وقتی قاب آن را باز کردیم، متوجه شدیم پرتره‌ای از خود آقای کیارستمی که به دست فرد دیگری کشیده شده بود نیز پشت نقاشی وجود داشت». بهمن‌پور خاطرنشان کرد: «آقای کیارستمی به نقاشی عشق داشتند و هیچ‌گاه ادعایی هم در این زمینه نداشتند. تمرکز اصلی او روی نقاشی، در سال‌های نخست بعد از انقلاب بود که اجازه فعالیت چندانی نداشتند. او حتی روی بشقاب هم نقاشی می‌کرد و آنها را می‌فروخت. در واقع بازگشت به نقاشی به دلیل شرایط سخت زندگی در آن دوران بوده است. هم‌جواری با آیدین آغداشلو باعث شد در مقام مقایسه خودش با او، نقاشی را جدی نگیرد؛ اما در مصاحبه‌ای گفته است از میان تمام هنرها اگر فقط یکی را باید انتخاب می‌کرد، آن هنر نقاشی بوده است». بهمن‌پور درباره نشر کتب هنری و مشکلات آن گفت: «در ۲۰ سال اخیر هنر از شکل تفنن خارج و به یک موضوع محوری تبدیل شده است. هنرمندان به‌عنوان کار دوم و سوم به هنر نمی‌پردازند و به شکل حرفه‌ای‌تری به این مقوله نگاه می‌شود. به همین دلیل، توسعه گالری‌ها رخ داده است و این اتفاق، در بسیاری از شهرهای کشور با رویکرد هنر معاصر تسری یافته است. بنابراین محصولات این بخش نیز در این سال‌ها راحت‌تر مخاطبان خودشان را پیدا می‌کنند و آنها کتاب‌های هنری را به دست می‌آورند». نمایشگاه نقاشی‌های زنده‌یاد عباس کیارستمی از ۱۷ تا ۲۹ آبان در گالری گلستان به نشانی خیابان دروس، خیابان کماسایی، پلاک ۳۴ برگزار می‌شود.

زیر درختان زیتون

برپایی ششمین جشن نوشتار سینمای ایران

● **گروه هنر:** ششمین جشن نوشتار سینمای ایران، دوشنبه ۲۷ آبان با حضور هنرمندان، نویسندگان و پیش‌کسوتان عرصه نوشتار در فرهنگ‌سرای ارسباران برگزار می‌شود. این جشن با هدف تجلیل از گزارشگران، مترجمان، نویسندگان و منتقدان برتر سینمایی و شناخت استعدادهای نو و ارج‌نهادن به نقد و نوشتار علمی و منصف در بخش‌های ترجمه، مقاله، گزارش، مصاحبه، نقد و یادداشت سینمایی برگزار می‌شود. گفتنی است در این دوره از جشن، از یک عمر فعالیت شاپور عظیمی و هوشنگ حسینی تجلیل خواهد شد. نامزدهای این جشن نیز در روزهای آینده اعلام می‌شود. سپیده ابرآویز، دبیری ششمین دوره جشن نوشتار سینمایی را بر عهده دارد.

«آخرین داستان» را پسندیدند

● **گروه هنر:** انیمیشن سینمایی «آخرین داستان» به نویسندگی و کارگردانی اشکان رهگذر و تولیدشده در استودیو هورخش، برنده جایزه بهترین انیمیشن سینمایی از ششمین جشنواره بین‌المللی EACG ایالت کالیفرنیای آمریکا شد. این انیمیشن که هم‌اکنون در فهرست ۳۲ اثر رقابت‌کننده در شاخه بهترین انیمیشن آکادمی اسکار قرار گرفته است و اکران هم‌زمان آن در ۳۲ کشور مانند آمریکا، روسیه، اسپانیا، سوئد، یونان و نروژ از اول سپتامبر (۱۰ شهریور) آغاز شده، پیش از این موفق به دریافت ۱۱ عنوان جایزه ملی و بین‌المللی شده است.

شمس و دعوت به خود راستین

● **گروه هنر:** هفتمین نشست از مجموعه درسگفتارهایی درباره شمس‌تبریزی در روز چهارشنبه ۲۲ آبان ساعت ۱۶:۳۰ به «شمس و دعوت به خود راستین» اختصاص دارد که با سخنرانی سودابه کریمی، در مرکز فرهنگی شهرکتاب واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصیر (بخارست)، نبش کوچه سوم برگزار می‌شود. در این درسگفتار به تبیین تفاوت تقلید و متابعت و حقیقت وجود آدمی پرداخته می‌شود.

پایان جشنواره فیلم لایپزیگ

● **گروه هنر:** شصت‌ودومین جشنواره فیلم «لایپزیک - DOK Leipzig» به پایان رسید. در این دوره از «مجید موثقی»، فیلم‌ساز ایرانی مقیم سوئیس، به‌عنوان رئیس هیئت داوران بخش «اینتر فیلم - Inter-Film» دعوت به عمل آمد. او به همراه داورانی از لوکزامبورگ، فرانسه و آلمان به تماشای ۱۱ فیلم از آلمان، سوئیس، ارمنستان، ایران، دانمارک، رومانی، اتریش، ایتالیا، لیتوانی، فرانسه و چین در بخش رقابت اصلی بین‌الملل نشست و در انتها فیلم «رفتار درست-Exemplary Behavior» برنده جایزه دوهزارو ۵۰۰ یورویی این بخش شد که این تندیس همراه یک لوح یادبود به فیلم‌هایی تعلق می‌گیرد که از نگاهی معناگرایانه و انسان‌دوستانه برخوردارند! موثقی بیانیه هیئت داوران را در روز اختتامیه این‌گونه قرائت کرد «همبستگی با دیگران مرزی نمی‌شناسد. این اثر از دردی مشترک سخن می‌گوید! فیلم «رفتار درست» ساخته «آندریوس میکه وشیش-Audrius Mickevicius» پنجره‌ای به یک زندان باز می‌کند و از سبکی هنرمندانه برخوردار است! این فیلم معصومیت آدم‌هایی را نشان می‌دهد که در پشت میله‌های زندان‌ها محبوس هستند! لازم به ذکر است که این فیلم‌ساز لیتوانیایی در حین فیلم‌برداری فیلم بستری شد و رخت از جهان بربست و خود برای گرفتن این جایزه به روی صحنه نیامد!

جدول ۳۵۲۵ ■ طراح: بیژن گورانی

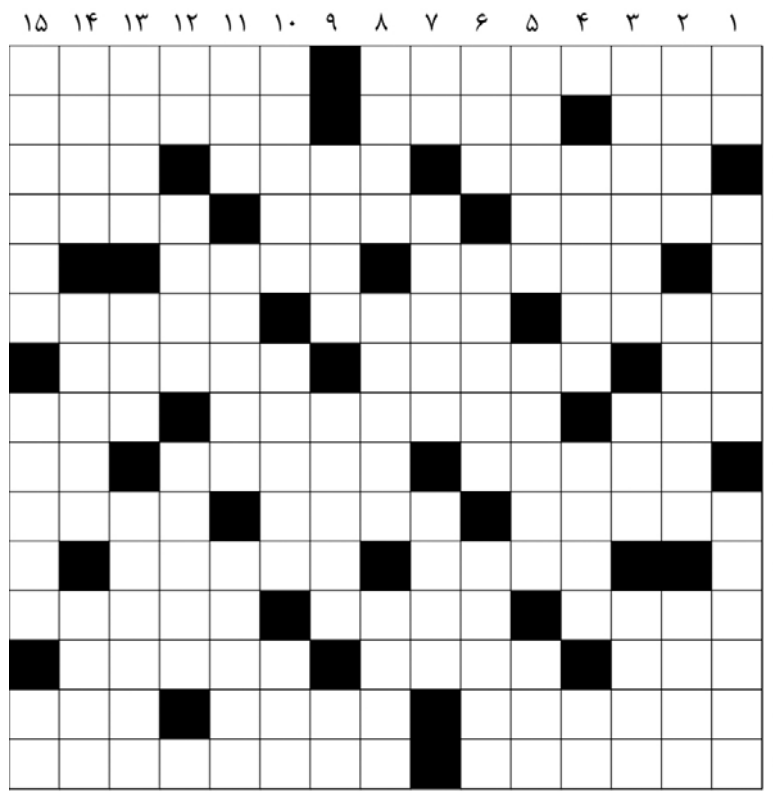

افقی:

۱- خوش‌نام‌ترین وزیر سلطان محمود غزنوی- آزاردهنده و غم‌انگیز ۲- خانه بزرگ- قباحت- پشت‌سرهم ۳- یکی پس از دیگری- بزرگ‌ترین سد خاکی رسی خاورمیانه- از حبوبات ۴- گذرگاه‌ها- از صنایع دستی زنجان- چشم سوم ۵- نوعی گردنبند زنانه- وسیع ۶- قهوه‌خانه فرنگی- به صورت سه گوش- شهرستانی در آذربایجان شرقی ۷- عادت- دامن بلند- آسان کردن ۸- پرتابه جنگی- رمانی نوشته علی‌محمد افغانی- فنی در کشتی ۹- توبه کردن- پایان و آخر- نت اول ۱۰- سرخ‌رنگ- تفریق- دیگر ۱۱- انسان- تخت سلطنت ۱۲- آگهی تلویزیونی- خدمتکار- از تیم‌های فوتبال باشگاهی ایتالیا ۱۳- فاضلاب- فهرست‌نویسی پیش از انتشار کتاب- فرشته مهر ۱۴- قند نیشکر- اقبال- اتومبیل آلمانی ۱۵- عمده و اساسی- کنفرانس.

عمودی:

۱- حالت عاطفی- برگزیده- شهریار سلسله کیان ۲- فوری- دستمال- واحد نظامی ۳- محرومیت- از مواد مخدر- ضربه‌ای در کاراته ۴- پافشاری‌کردن- سقف فرو ریخته- تکرار حرفی ۵- قطعی برای کتاب- دیواره‌ای برای جلوگیری از جریان آب- شخص ۶- روستای گردشگری شاندیز- جهان غیرمادی- تباشیر فرنگی ۷- نشانه مصدر جعلی- نام قدیم دریاچه ارومیه- نزدیک‌بین ۸- پسر مازندرانی- آسمان- کشف کننده ۹- قطعی دیگر برای کتاب- آگاه باش- مخفف اگر ۱۰- همنشین و هم‌صحبت- قوم مغول- کوهی در مکه ۱۱- پارچه کهنه- پیوسته- زن نازا ۱۲- انبار کشتی- ماهیچه- کفش چرخدار ورزشی ۱۳- تیرانداز- سال آذری- ماگنت ۱۴- وقت و هنگام- ارتفاع- درنگ و آهستگی ۱۵- رمانی نوشته سیامک گلشیری- تنها حیوانی که اهلی نمی‌شود- زندگی کن.

حل سودوکو سخت

۲	۹	۳	۴	۸	۷	۵	۶	۱
۶	۷	۱	۹	۵	۲	۴	۸	۳
۴	۵	۸	۱	۶	۳	۹	۲	۷
۱	۳	۴	۶	۹	۸	۲	۷	۵
۵	۶	۹	۷	۲	۴	۳	۱	۸
۷	۸	۲	۵	۳	۱	۶	۹	۴
۳	۱	۵	۲	۷	۶	۸	۴	۹
۸	۲	۷	۳	۴	۹	۱	۵	۶
۹	۴	۶	۸	۱	۵	۷	۳	۲

حل سودوکو ۲۵۲۰

۸	۴	۲	۹	۵	۱	۶	۳	۷
۱	۳	۷	۴	۶	۲	۸	۵	۹
۵	۹	۶	۳	۷	۸	۴	۱	۲
۲	۱	۸	۶	۴	۳	۷	۹	۵
۷	۵	۳	۸	۲	۹	۱	۶	۴
۴	۶	۹	۵	۱	۷	۲	۸	۳
۳	۸	۴	۷	۹	۶	۵	۲	۱
۶	۷	۱	۲	۳	۵	۹	۴	۸
۹	۲	۵	۱	۸	۴	۳	۷	۶

جدول ۳۵۲۴

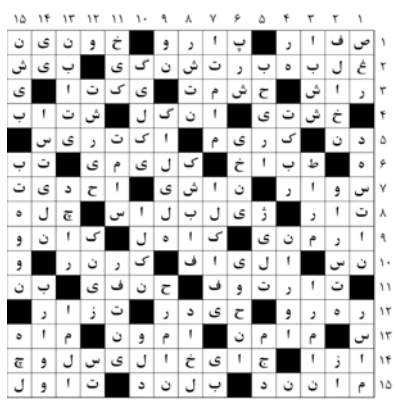

سودوکو سخت ۲۵۲۱

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۸				۴				
۶		۴	۳		۸			۲
	۵				۶	۹		
۲	۸					۶		
		۹				۲		
		۶					۹	۷
		۲	۵				۷	
۷			۲		۱	۵		۳
				۷				۱

سودوکو ساده ۲۵۲۱

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

		۳		۴	۹		۷	
۱		۹		۵				
			۸		۷			
	۱	۵	۳				۶	۹
۲		۶				۷		۸
۸	۹				۶	۳	۲	
			۶		۸			
				۹		۸		۶
	۶		۴	۳		۲		